

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران

مشخصات ظاهری و ویژگی‌های معنوی منجی آخرالزمان در تفاسیر شیعه و سنی

محمد رضا قرآنی^۱

چکیده

بحث ظهور و اصلاح جامعه بشری از نابسامانیها که از اعتقادات مشترک بین جوامع و ادیان مختلف می‌باشد، ارتباطی تنگاتنگ با منجی عالم بشریت دارد و عموم مکاتب و آئین‌هایی که به این بحث پرداخته‌اند، پیرامون شخصیت منجی نیز اظهار نظر نموده‌اند. علمای مسلمان از جمله مفسران، اعم از شیعه و سنی نیز درباره شخصیت منجی به بحث پرداخته و درباره موضوعاتی همچون اینکه «آیا زاده شده یا نه، از کدامین تبار است، ویژگیهای ظاهری و معنوی او چیست، مقام و منزلت و شباهتش به انبیاء کدام است؟» روایاتی را آورده و گاه نظریات خود را نیز بیان کرده‌اند. از جمله جذابیت‌های این نوشتار اینکه آراء متفاوت نقل شده در منابع اسلامی در این خصوص و وجه تشابه و تفارق آنها را می‌توان از مصادیق مباحث تقریب بین مذاهب اسلامی برشمرد، بویژه از آن جهت که علی‌رغم بررسی این موضوع به روش نقلی در منابع تفسیری، عمدتاً از جنس مباحث کلامی بشمار می‌رود.

واژگان کلیدی

منجی، مفسران، شیعه، سنی، روایات، ظهور

۱. مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس.

طرح مساله

مساله منجی از مباحث اعتقادی عتیق و دامنه دار در بین ادیان و مذاهب می‌باشد، بطوریکه حتی ادیان دیگر مانند یهودیت، مسیحیت و آیین‌های زردشتی و بودایی نیز در این خصوص مباحثی را مطرح نموده‌اند. در بین مذاهب اسلامی نیز این عقیده مسبوق به سابقه بوده و روایات فراوانی از سوی فریقین، چه در آثار کلامی و چه در ذیل شرح و تفسیر آیات قرآن کریم، نقل شده است. در این پژوهش سعی شده، در غالب موارد، مباحث از دامنه تفاسیر خارج نشود، اما بدلیل محدودیت مباحث تفسیری در بزنگاهای کلامی، گاهی از روایات خارج از منابع تفسیری نیز استفاده شده است.

علی‌رغم اتفاق نظر ادیان و مذاهب در خصوص وجود یک منجی برای جهان بشریت، ایشان در تعیین مصداق این منجی دچار اختلاف نظر هستند. این اختلاف نظر در ابعاد گوناگون شخصی و شخصیتی وی مشاهده می‌شود. آنچه در این پژوهش بررسی می‌شود آراء اندیشمندان شیعه و سنی، بویژه آنچه که در تفاسیر ذکر شده است، می‌باشد. شیعیان معتقدند آن حضرت بدنیا آمده و هم اکنون در عصر غیبت و انتظار بسر می‌برد و بزودی به فرمان الهی ظهور فرموده و ماموریت خویش را در اصلاح جامعه بشری به انجام خواهد رسانید. لیکن در خصوص اینکه ولادت ایشان اتفاق افتاده یا نه، بین اندیشمندان اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد، برخی بر رأی اندیشمندان شیعه هستند و برخی معتقدند هنوز بدنیا نیامده است، برخی نیز اساساً وجود چنین شخصیتی را منکر شده و معتقدند مهدی علیه السلام همان عیسی علیه السلام است. درباره نیاکان آن حضرت نیز همین اختلاف نظر وجود دارد، برخی اندیشمندان اهل سنت، همچون شیعیان وی را از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام می‌دانند، و برخی دیگر وی را از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام حسن مجتبی علیه السلام بر شمرده‌اند، برخی نیز با تمسک به روایتی که در آن نام پدر منجی علیه السلام همانم پدر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ذکر شده، معتقدند آن حضرت نمی‌تواند فرزند امام عسکری علیه السلام باشد.

موضوع اختلاف آراء فریقین در بحث ویژگیهای معنوی آن حضرت، همچون مقام و منزلت الهی، علم، سیره عملی و شباهتش به انبیاء الهی علیهم السلام نسبت به موضوع نیاکان آن حضرت تفاوت دارد، چرا که خاستگاه روایات مربوط به ویژگیهای معنوی آن حضرت،

عموما منابع شیعی می‌باشند، گرچه برخی منابع اهل سنت، مانند ینابیع الموده قندوزی، نیز مطابق آنچه منابع شیعی نقل کرده اند را بدون کم و کاست آورده‌اند.

الف- آیا منجی به دنیا آمده است؟

پاسخ شیعه و سنی به این سؤال با یکدیگر متفاوت است. شیعیان معتقدند که آن حضرت در نیمه شعبان ۲۵۵ قمری به دنیا آمده^۱ و هنوز زمان ظهور ایشان فرا نرسیده است و همچنان در غیبت به سر می‌برد.

اهل سنت در پاسخ به این سؤال آراء متفاوتی دارند که می‌توان آنها را به سه دسته کلی تقسیم نمود:

۱- الف- دیدگاه اول مربوط به آن دسته از علمای اهل سنت است که معتقدند چنین شخصی به دنیا نیامده و نخواهد آمد و وعده‌ای نیز در این خصوص در قرآن و سنت وجود ندارد.

ابن خلدون از جمله کسانی است که بر این باورند. وی معتقد است احادیث مربوط به مهدی و آخر الزمان به سختی می‌توانند از نقد خلاصی یابند و مقبول واقع شوند و عدم اخراج اینگونه روایات در صحیح بخاری و صحیح مسلم را از جمله دلایل خود برمی‌شمارد.^۲

با اینهمه، ابن خلدون در سخنان خود، تعبیر «ألا القلیل و الاقل منه» را به کار برده است و در جایی دیگر به شهرت خبر «ظهور مردی از اهل بیت در آخر الزمان که عدالت را آشکار می‌کند و می‌گستراند»، در میان مسلمانان اشاره نموده ولی آن را انکار نکرده است.^۳

آنچه که ابن خلدون درباره دلیل عدم صحت روایات مربوط به مهدی گفته با واکنش برخی از علمای اهل سنت مواجه شده است. احمد محمد شاکر در تعلیقات خود بر

۱- بهبودی، محمد باقر، صحیح الکافی، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش، تهران، انتشارات سنا، ۶۰/۱.

۲- ابن خلدون، عبدالرحمان، العبر و دیوان المبتدأ و الخبر فی أيام العرب و العجم و البربر، چاپ چهارم، بی تا، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۳۲۲/۱.

۳- همو، ۳۱۱/۱. نقد ابن خلدون بر احادیث مربوط به مهدی علیه السلام بیشتر درباره سند آنهاست نه متن آنها.

مسند احمد بن حنبل، پس از ذکر حدیث ابن مسعود آن را از احادیث صحیحی که از طرق متعدد و از بسیاری از صحابه نقل شده، برشمرده و نظر ابن خلدون در تضعیف این حدیث را رد کرده است.^۱

ابوالطیب محمد شمس الحق عظیم آبادی نیز پس از ذکر جماعتی از ائمه اهل سنت همچون ابو داود، ترمذی، ابن ماجه، حاکم، طبرانی و ابو یعلیٰ موصلی که از جمعی از صحابه مانند علی رضی الله عنه، ابن عباس، ابن عمر، طلحه، ابن مسعود، ابو هریره، انس، ابو سعید خدری، ام حبیبه و ام سلمه روایات مربوط به مهدی را از رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده‌اند، نظر ابن خلدون در خصوص تضعیف کلی این احادیث را رد کرده و اسناد این روایات را به صحیح، حسن و ضعیف تقسیم نموده و برآنتست که نمی‌توان همه آنها را ضعیف پنداشت.^۲ قریب به همین مضمون را البانی آورده و تشخیص صحیح، حسن و ضعیف این احادیث از یکدیگر را امری غامض که صرفاً دانشمندی متضلع از عهده‌اش برخواهد آمد، شمرده است.^۳

عبدالعظیم بستوی نیز ضمن رد نظر ابن خلدون معتقد است که او بعضی از روایات مربوط به مهدی را دیده نه همه آنها را، به علاوه اینکه اساساً این بحث را انکار نکرده است.^۴

در خصوص استدلال یاد شده از ابن خلدون باید گفت: اولاً شیخین ادعا نکرده‌اند که تمامی احادیث صحیح را گرد آورده‌اند، و ثانیاً جمع کثیری از علمای اهل سنت به احادیث بسیاری که در صحیحین وجود ندارد، استدلال و عمل نموده‌اند.^۵ بنابراین صرف اینکه روایتی در صحیحین نیامده باشد، آن را از درجه صحت ساقط نمی‌سازد. ضمن اینکه

۱- ابن حنبل، احمد، المسند، بشرح أحمد محمد شاکر، ۱۳۵۷ ق، دار المعارف بمصر، ۱۹۸/۵.

۲- عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون‌المعبود شرح سنن ابی داود، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۴۳/۱۱.

۳- نک: بستوی، عبدالعظیم عبدالعظیم، المهدی المنتظر فی ضوء الاحادیث و الآثار الصحیحة، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق، بیروت، دارابن حزم، ۵۹.

۴- همو، ۳۶۶.

۵- همو، ۳۶۳ و ۳۶۴.

حاکم نیشابوری در توضیح برخی روایاتی که در مستدرک آورده، گفته: «این حدیث بنا بر شرط بخاری (یا مسلم) صحیح است».^۱ این توضیح که مکرراً در مستدرک مشاهده می‌شود، حاکی از آن است که بسیاری از علمای اهل سنت از جمله حاکم معتقدند که روایات صحیح منحصر به صحیحین نمی‌شود. صبحی صالح نیز بر آنست که شهرت صحیحین نباید احادیث صحیح موجود در کتابهای دیگر را تضعیف کند.^۲

به جز آنچه از ابن خلدون نقل و نقد شد، برخی نیز با تمسک به روایتی که از بعضی تابعین همچون مجاهد و حسن بصری نقل شده، مهدی واقعی را همان عیسی بن مریم علیه السلام پنداشته و در نتیجه اصل تفکر مهدویت و انتظار منجی را به شکلی که دیگر علمای شیعه و سنی مطرح نموده‌اند، منکر شده‌اند.

در نقد و رد این نظر، عبدالعلیم بستوی ضعف اسناد روایت را پس از بررسی نشان داده و معتقد است بعضی از این روایات برخی دیگر را رد می‌کند.^۳ علاوه بر این، وی رأی قرطبی، سیوطی و سفارینی را درباره ضعف بودن حدیث «لا مهدی الا عیسی بن مریم» و اینکه مهدی غیر از عیسی بن مریم علیه السلام است و روایات مربوط به او به حد تواتر معنوی^۴ می‌رسد نقل نموده است.^۵

به این نقد و نظرها باید روایات نقل شده از علمای اهل سنت را افزود که بیانگر خروج مهدی علیه السلام پیش از نزول عیسی بن مریم علیه السلام و نماز گزاردن عیسی علیه السلام به امامت مهدی علیه السلام است.^۶

۱- نک: عسکری، جعفر بن محمد، المهدی الموعود المنتظر، ۱۴۰۲ ق، تهران، موسسه الامام المهدی، ۲۸۳ و ۲۸۴؛ بستوی، ۳۲۰.

۲- صالح، صبحی، علوم الحدیث و مصطلحه، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق، قم، مکتبه الحیدریه، ۱۵۲.

۳- بستوی، ۳۰-۳۲.

۴- در حدیث متواتر معنوی، لفظ متفاوت و معنا یکی است. نک: صبحی صالح، ۱۵۰.

۵- بستوی، ۴۴ و ۵۰ و ۵۴؛ علاوه بر این قرطبی در تفسیر خود به همین موضوع تصریح نموده است، نک: قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، چاپ دوم، ۱۴۰۵ ق، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۲۱/۸ و ۱۲۲.

۶- از خیل عظیمی از این روایات که مورد استشهاد علمای اهل سنت قرار گرفته است می‌توان به دو نمونه اشاره کرد. اول، گفتار ابن حجر که خروج مهدی علیه السلام را پیش از نزول عیسی علیه السلام، آشکار و غیر قابل انکار

از دیگر مخالفان تفکر مهدویت می‌توان از محمد رشید رضا نام برد که تعارض روایات مربوط به مهدی علیه السلام و عدم امکان جمع بین آنها، عدم پذیرش آنها از سوی اکثر علما، وجود شبهات اساسی پیرامون آن و به ویژه عدم نقل روایات مذکور در صحیحین را از ادله خود در جهت انکار این تفکر بیان کرده است. او بر آنست که کعب الأخبار در جعل اخبار مهدی علیه السلام نقشی بسزا داشته است و علاوه بر آن، شیعیان نیز برای اثبات ادعاهایشان در حقانیت جانشینی فرزندان علی علیه السلام، چنین احادیثی را جعل کرده‌اند.^۱

احمد امین نیز با ذکر دلایلی از جمله عدم نقل روایات مربوط به مهدی علیه السلام از سوی شیخین - یعنی بخاری و مسلم - و اینکه شیعیان پس از تسلیم خلافت از امام حسن علیه السلام به معاویه، برای اثبات ادعاهای خود، به جعل اینگونه روایات پرداخته‌اند تفکر مهدویت را رد کرده است.^۲

عبدالعظیم بستوی ضمن نقل عبارات احمد امین وی را به تعدی به مجموعه‌های روایی اهل سنت متهم نموده است.^۳

۲-الف - دیدگاه دوم مربوط به آن دسته از علمای اهل سنت است که معتقدند مهدی علیه السلام هنوز به دنیا نیامده و آنچه را که شیعه بدان معتقد است، انکار می‌کنند و بنابراین

دانسته است و اینکه عیسی به امامت مهدی نماز خواهد گزارد، نک: ابن حجر، احمد، تهذیب التهذیب، چاپ اول، ۱۴۰۱ ق، بیروت، دارالفکر، ۱۲۶/۹.

دوم، گفتار ابن کثیر است که روایات وارده در بیان خروج مهدی در آخرالزمان و برپایی قسط و عدلش را مستفیض می‌داند و اینکه وی سرانجام خلافت را تسلیم عیسی بن مریم خواهد کرد، نک: ابن کثیر، اسماعیل، البدایة و النهایة، تحقیق علی شیری، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۲۷۷/۶ و ۲۷۸.

(صبحی صالح (۲۳۰-۲۳۱) تعریفی از مستفیض می‌آورد که بدون تعریف غریب، مفهوم نیست. این اصطلاح از مواردی است که در بیان مراد از آن، اختلاف نظر وجود دارد. به گفته برخی از علما: «هو الحدیث المشهور» و به قولی مشهور اعم از مستفیض و به نظر برخی، مستفیض اعم از مشهور است. برخی نیز گفته‌اند که مستفیض و متواتر به یک معنا هستند.

۱- نک: بستوی، ۳۳؛ همچنین دیدگاه رشیدرضا درباره «عدم پذیرش احادیث مهدویت توسط اکثر علما» به زودی با آنچه از عموم علمای اهل سنت که مراتب علم و فضل آنها بر کسی پوشیده نیست، وارد شده به قضاوت اهل تحقیق گذاشته خواهد شد.

۲- نک: بستوی، ۳۴.

۳- همو، ۳۵.

غیبت و انتظار منجی را باور ندارند.

از جمله این علما ابن حجر مکی است که این نظر شیعه را که مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است، رد می‌کند و بر آنست که طبق روایات صحیح که وی بر آنها وقوف پیدا کرده، اسم پدر مهدی، اسم پدر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، ولی اسم امام حسن عسکری مطابق با اسم پدر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیست، بنابراین آنچه شیعیان به آن معتقدند را انکار می‌کند.^۱

عبدالرؤوف مناوی نیز به طور غیرمستقیم، با اشاره به اینکه «مهدی» محمدبن عبدالله است، که نامش نام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و نام پدرش نام پدر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، بر این اعتقاد تأکید نموده است.^۲

عبدالعظیم بستوی نیز بارها در *المهدی المنتظر* بر این که مهدی هنوز زاده نشده، تصریح می‌کند. به عنوان نمونه در فصل «اختلاف الفرق المختلفة فی تصور المهدی و تعیینه»، تعبیر «به زودی متولد خواهد شد ان شاء الله» را به کار برده و آن را باور عموم اهل سنت دانسته است.^۳

بستوی ذیل بیان دیدگاه فرقه اثناعشریه از فرق امامیه درباره مهدی، پس از نقل روایاتی که محب‌الدین خطیب در *الخطوط العریضة از الارشاد مفید* آورده، ضمن دروغ برشمردن چنین روایاتی، مدعی است که امام حسن عسکری علیه السلام طبق مآخذ تاریخی همچون *تاریخ طبری* و *تاریخ ابن قانع*، از دنیا رفت و فرزندی از خود بر جای نگذاشت.^۴

حال این سؤال مطرح است که آیا آنچه بستوی از مورخین نقل کرده مورد اجماع آنهاست؟ اولاً شایسته بود مآخذ نقل خود را همانند روشی که در سراسر کتاب خود اعمال نموده، مشخص می‌کرد. ثانیاً رأی منسوب به طبری و ابن قانع مورد تأیید برخی مورخان از

۱- نک: همو، ۵۵.

۲- مناوی، محمد عبدالرؤوف، فیض القدر شرح الجامع الصغیر، تصحیح احمد عبدالسلام، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۴۶۶/۱.

۳- بستوی، ۶۰.

۴- همو، ۸۰.

جمله ابن اثیر و ابن خلکان نمی‌باشد.

ابن اثیر در وقایع سال ۲۶۰ قمری، پس از ذکر درگذشت ابو محمد حسن بن علی علوی عسکری می‌نویسد: «او پدر محمد است که علویان معتقدند [امام] منتظر در سرداب سامرا است.» اما با این وجود سخنی در انکار رأی آنها نمی‌گوید.^۱

ابن خلکان نیز ذیل ترجمه ابو محمد حسن بن علی وی را والد المنتظر صاحب السرداب معرفی می‌کند.^۲

بستوی تعابیری نیز از محب‌الدین خطیب، صاحب الخطوط العریضة در مرگ ابو محمد - امام حسن عسکری علیه السلام - و اینکه وارثی جز برادرش جعفر از خود برجای نگذاشت نقل نموده است، تعابیری که با آراء بستوی شباهتی بسیار دارد.^۳

۳- الف- دیدگاه سوم مربوط به آن دسته از علمایی از اهل سنت است که همچون شیعیان معتقدند آن حضرت فرزند امام حسن عسکری علیه السلام بوده، به دنیا آمده و اکنون در پرده غیبت به سر می‌برد و هر زمانی که خداوند اراده فرماید، ظهور خواهد کرد. از بین این دسته از علما نیز می‌توان به ابن صباغ مالکی و قندوزی حنفی اشاره نمود.

قندوزی روایاتی از منابع شیعه و سنی نقل نموده که به ولادت حضرت مهدی علیه السلام از امام حسن عسکری علیه السلام و مادرش نرجس علیها السلام، همچون معتقدات شیعه، اشاره شده است.^۴ ابن صباغ مالکی نیز دقیقاً به پدر و مادر آن حضرت همچون نظر شیعه اشاره نموده است.^۵

ابن صباغ مالکی در فصل دوازدهم کتاب خود، تحت عنوان «فی ذکر أبی القاسم محمد» روایاتی را که شیعه و سنی درباره وی نقل کرده‌اند، آورده و به ولادت، غیبت و

۱- ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ۱۳۸۵ ق، بیروت، دار صادر، ۲۷۴/۷.

۲- ابن خلکان، احمد بن محمد، وفيات الأعیان و انباء ابناء الزمان، بی‌تا، بی‌جا، ۹۴/۲.

۳- بستوی، ۸۰.

۴- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة لذوی القربی، تحقیق علی جمال اشرف الحسینی، چاپ دوم، ۱۴۲۲ ق، قم، دارالاسوة، ۳۰۱/۳-۳۰۶.

۵- ابن صباغ، علی بن محمد، الفصول المهمة فی معرفة الأئمة، تحقیق سامی الغریری، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق، قم، دارالحدیث، ۱۱۰۳/۲.

ظهور او تصریح نموده است.^۱ سامی الغریری در تعلیقه‌ای که بر این اثر ابن صباغ نوشته، ذیل بحث غیبت مهدی علیه السلام، جماعتی از علمای اهل سنت را که همچون شیعیان اهل بیت علیهم السلام به ولادت آن حضرت و انتظارش در پرده غیبت معتقدند، نام برده است؛ برخی از آنها عبارتند از: سبط ابن جوزی، ابن اثیر، ابن خلکان، ابو عبدالله محمد بن احمد ذهبی، شبلنجی و قندوزی.^۲

ب- نیاکان منجی

هر انسانی در این جهان نیاکانی دارد، مگر حضرت آدم علیه السلام که خلقتش بدون واسطه پدر و مادر و مستقیماً بدست قدرت الهی صورت پذیرفته و حضرت عیسی بن مریم علیها السلام که بدون پدر و تنها از طریق نفخه الهی از مادر متولد شده است: «إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»^۳ (آل عمران/۵۹).

بعضی از نیاکان منجی که در روایات متعددی نام آنان یاد شده است عبارتند از:

۱- ب- اسماعیل

اسماعیل پسر ابراهیم خلیل علیه السلام پسر آزر^۴ از نسل سام فرزند نوح علیه السلام است و نسب شناسان او را در رأس سلسله سوم عرب یا همان عرب مستعربه می‌دانند.^۵ گفته‌اند وی به همراه مادرش هاجر در حدود ۲۷۹۳ سال قبل از هجرت [رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم] در حالیکه ۱۴ ساله بود وارد مکه شد، وی در بنای کعبه به پدرش ابراهیم علیه السلام کمک کرد چنانکه قرآن به

۱- همو، ۱۰۹۵/۲-۱۱۳۶.

۲- همو، ۱۰۹۹/۲ و ۱۱۰۰.

۳- در واقع مثل عیسی نزد خدا همچون مثل [خلقت] آدم است [که] او را از خاک آفرید سپس بدو گفت باش پس وجود یافت.

۴- البته شیعیان معتقدند آزر که بت پرستی اش در آیه ۷۴ سوره انعام تصریح شده، عموی ابراهیم علیه السلام بوده است و اجداد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تماماً موحد بوده اند. نک: طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، ۱۴۱۵ق، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ۹۰/۴.

۵- به زعم نسابین دو سلاله دیگر عرب عبارتند از باندۀ مانند عاد و ثمود و جرهم الأولى و عاربه که عرب یمن و از فرزندان قحطان می‌باشند. نک: زرکلی، خیرالدین، الأعلام، چاپ سوم، ۱۳۸۹ق، بیروت، ۳۰۱/۱.

آن اشاره فرموده است: «وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ...»^۱ (بقره/۱۲۷).
وی پس از درگذشت مادرش با زنی از جرم ازدواج کرد که برای او دوازده پسر به دنیا آورد، یکی از آنها قیدار جد عدنان جد رسول خدا ﷺ می‌باشد، او در مکه درگذشت و در حجر، کنار مادرش بخاک سپرده شد.^۲
ابن کثیر می‌گوید: در تورات به اسماعیل عليه السلام بشارت داده شده که از صلب او دوازده انسان بزرگ به دنیا خواهند آمد، و این دوازده تن همان دوازده تن مذکور در حدیث ابن مسعود است و مهدی یکی از آنهاست.^۳

علاوه بر آنچه ابن کثیر نقل کرده، روایاتی نیز وجود دارند که به ولایت و فرمانروایی دوازده ولی و خلیفه بر امت اسلام اشاره می‌نمایند که برخی از آنها از مصادر اهل سنت، به لحاظ ارتباطشان با آنچه به اسماعیل عليه السلام نسبت داده شده به همراه نظریات برخی علمای اهل سنت درباره آنها نقل شده می‌شود.

- جابر بن سمره می‌گوید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمود: «پیوسته امور مردم [به همین منوال] خواهد گذشت تا اینکه دوازده مرد بر آنها ولایت داشته باشند.»^۴
عبدالعظیم بستوی ضمن نقل روایت مسلم، آن را از روایات صحیح برشمرد و گفته است: «قول راجح این است که خلافت این دوازده نفر به هشام بن عبدالملک منتهی می‌شود

۱- هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه [کعبه] را بالا می‌بردند ...

۲- زرکلی، ۳۰/۱.

۳- اشاره به حدیثی است که مسروق می‌گوید: نزد عبدالله بن مسعود بودیم، مردی از وی پرسید: «آیا از رسول خدا ﷺ پرسیدید که چند خلیفه بر این امت فرمانروایی خواهند کرد؟» پاسخ داد: «پرسیدم و آن حضرت فرمود: [دوازده تن، به تعداد نقبای بنی اسرائیل].» ابن کثیر سپس اعتقاد شیعه را در خصوص انطباق این «دوازده تن» با ائمه دوازده گانه شیعیان رد کرده است. نک: ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۲ ق، بیروت، دارالمعرفة، ۳۴/۲.

۴- مسلم بن حجاج، صحیح، تحقیق موسی شاهین لاشین و احمد عمر هاشم، ۱۴۰۷ ق، بیروت، موسسة عزالدین، ۱۰۰/۴؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، تحقیق عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، بی تا، بیروت، دارالفکر، ۲۱۱/۱۳. ابو داود و قندوزی نیز دو روایت با عباراتی نزدیک به آنچه از جابر بن سمره نقل شد، آورده‌اند. نک: ابو داود، سلیمان بن اشعث، سنن، تحقیق محمد عوامه، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق، بیروت، موسسة الریان، ۲۹/۵؛ قندوزی، ۳۱۵/۲.

چرا که در آن دوره با وجود برخی فترات، زمینه برای اقامهٔ دین [و احکام آن] بیش از دیگر دوره‌ها فراهم بوده است.^۱ در مقابل، ابن حجر عسقلانی معتقد است این خلفای دوازده گانه تا روز قیامت خواهند آمد و الزامی در توالی آنها [و در نتیجه محدود نمودن حضورشان به دورهٔ خاصی] وجود ندارد.^۲

در خصوص روایت مذکور در تفسیر ابن کثیر باید گفت بر اساس اعتقادات شیعه و تألیفات مربوط به أنساب نیز مهدی عجل الله فرجه فرزند امام حسن عسکری عجل الله فرجه با ده واسطه زادهٔ رسول خدا صلی الله علیه و آله و او نیز با ۲۷ واسطه زاده اسماعیل فرزند ابراهیم عجل الله فرجه می‌باشد.^۳

۲- ب- عبدالمطلب

عبدالمطلب فرزند هاشم فرزند عبدمناف، نامش شبیه بوده است. حدود ۱۲۷ قبل از هجرت در مدینه متولد و در مکه رشد و نمو کرد، بین سالهای ۵۲۰ تا ۵۷۹ میلادی در مکه حکومت کرد و در حدود ۸۰ سالگی، که رسول خدا صلی الله علیه و آله ۸ سال داشت در ۴۵ سال قبل از هجرت جهان را بدرود گفت.^۴

اینک برخی از روایاتی که منجی را از نسل عبدالمطلب معرفی کرده‌اند، ذکر می‌شود:

- رسول خدا صلی الله علیه و آله: ما فرزندان عبدالمطلب، بزرگان اهل بهشت هستیم: من، حمزه، جعفر، علی، حسن، حسین و مهدی.^۵

- امیرالمؤمنین علی عجل الله فرجه: بهترین خلق، روزی که خداوند ایشان را گردهم می‌آورد، هفت تن از فرزندان عبدالمطلب هستند [که عبارتند از].... و مهدی.^۶

۱- بستوی، ۳۳۷.

۲- ابن حجر عسقلانی، احمد، فتح الباری شرح صحیح البخاری، چاپ دوم، بی تا، بیروت، دارالمعرفه، ۱۸۴/۱۳.

۳- سمعانی، عبدالکریم بن محمد، الأنساب، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق، دارالجنان، ۲۴/۱ و ۲۵.

۴- زرکلی، ۲۹۹/۴.

۵- ثعلبی، احمد بن ابراهیم، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، تحقیق ابو محمد بن عاشور، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۳۱۲/۸، ذیل شوری/۲۳/۴۲.

۶- حویزی، عبدالعلی، تفسیر نورالثقلین، تصحیح هاشم رسولی محلاتی، بی تا، تهران، مؤسسه اسماعیلیان،

غیر از آنچه از تفاسیر نقل شد برخی تالیفات نیز تایید کرده‌اند که منجی از تبار عبدالمطلب است: ابن طلحه شافعی در *مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول ﷺ* به اینکه آن حضرت از نسل عبدالمطلب و همان ابوالقاسم محمد بن حسن است که شیعه او را مهدی می‌داند و این احادیث از روایات صحیح^۱ نبوی ﷺ است، تصریح می‌کند.^۲

عبدالعالم بستوی در بخش گفتار صحابه و تابعین درباره مهدی عجل الله فرجه، از سعید بن مسیب نقل می‌کند که قتاده گفته مهدی از تبار عبدالمطلب است.^۳

۳-ب- رسول خدا ﷺ

رسول خدا ﷺ در بین کسانی که به عنوان نیاکان منجی نام برده شده‌اند بیشترین روایات را به خود اختصاص داده است اعم از اینکه روایات در تفاسیر آمده باشد یا در مجموعه‌های غیر تفسیری. اینک به دلیل اینکه نیازی به معرفی آن حضرت نیست به نقل روایات مربوطه می‌پردازیم:

برخی از علمای اهل سنت این دسته از روایات را از لحاظ تعداد، متواتر، برخی دیگر متواتر معنوی و بعضی هم مستفیض برشمرده‌اند. از جمله علمایی که به تواتر احادیث مربوط به مهدی عجل الله فرجه و اینکه از نسل رسول خدا ﷺ است، رأی داده‌اند می‌توان از کتانی^۴، شوکانی^۵ و شبلنجی نام برد.^۶

از علمایی که اعتقاد به تواتر معنوی این دسته از احادیث دارند نیز می‌توان از

۱/ ۵۱۳، ذیل نساء / ۶۹/۴.

۱. حدیث صحیح عبارت است از حدیث مسندی که اسناد آن به نقل از عادل ضابط از عادل ضابط باشد تا اینکه به حضرت رسول ﷺ یا یکی از اصحاب آن حضرت یا تابعین برسد و شاذ و معلل نباشد، نک:

صبحی صالح، ۱۴۵.

۲. نک: عسکری، ۳۵۶.

۳. بستوی، ۲۲۴.

۴. کتانی، محمد بن جعفر، نظم المتناثر من الحدیث المتواتر، چاپ دوم، بی تا، دارالکتب السلفیه، ۲۲۶ و ۲۲۸.

۵. نک: بستوی، ۴۴.

۶. نک: عسکری، ۱۳.

برزنجی، سفارینی، قنوجی، عبدالعزیز بن عبدالله بن باز^۱ و عبدالمحسن العباد^۲ نام برد. آبری سجزی در مناقب الشافعی^۳ و ابن کثیر^۴ نیز این روایات را مستفیض دانسته‌اند.

در باره دو روایت زیر به تواتر معنوی قائل شده‌اند:

رسول خدا ﷺ: اگر از [عمر] دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند آن را چنان طولانی خواهد فرمود تا مردی از خاندان من برانگیخته شود.^۵

رسول خدا ﷺ: مهدی از [خاندان] من است.^۶

غیر از آنچه قبلاً ذکر شد، جمع کثیری از علمای اهل سنت در تالیفات خود غیر از تفاسیر، روایات مذکور یا مشابه آنها را آورده‌اند که برخی از آنها عبارتند از: عقیلی^۷، بیهقی، مزی^۸، ابن تیمیه و ابن قیم جوزیه.^۹

بستوی در کتاب خود بیش از ده روایت از رسول خدا ﷺ، با ذکر اسناد و مآخذ نقل نموده که مهدی ﷺ از خاندان او می‌باشد.^{۱۰}

۴- ب- امیر المؤمنین علی ﷺ و حضرت فاطمه ﷺ

پس از رسول خدا ﷺ روایات متعددی مبنی بر اینکه مهدی از نسل امیر المؤمنین

۱. نک: بستوی، ۴۳-۴۵ و ۵۹.

۲. العباد، عبدالمحسن، «عقیده اهل السنة و الأثر فی المهدی المنتظر». مجلة الجامعة الإسلامية، ذی القعدة ۱۳۸۹ق، المدينة المنورة، ۱۶۲.

۳. نک: بستوی، ۴۰.

۴. ابن کثیر، البداية و النهاية، ۲۷۷/۶ و ۲۷۸.

۵. طبرسی، ۱۲۰/۷، ذیل انبیاء / ۱۲۰/۲۱؛ سیوطی، عبدالرحمان، الدرالمشور فی التفسیر بالمأثور، بی تا، بیروت، دارالمعرفة، ۵۸/۶، ذیل محمد ﷺ / ۱۸/۴۷.

۶. سیوطی، همانجا؛ ضمن اینکه سیوطی چهار روایت دیگر قریب به همین مضمون و با الفاظ مشابه در همانجا نقل کرده است.

۷. عقیلی، محمد بن عمرو، الضعفاء الكبير، تحقیق عبدالمعطی أمين قلعجی، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ق، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۷۶/۲.

۸- مزی، یوسف بن عبدالرحمان، تهذیب الکیمال فی أسماء الرجال، تحقیق بشار عواد معروف، چاپ چهارم، ۱۴۰۶ ق، بغداد، مؤسسة الرسالة، ۵۰/۲۵. مزی رأی بیهقی را نیز آورده است.

۹- نک: بستوی، ۵۰ و ۵۱.

۱۰- همان، ۱۴۷، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۹۵، ۲۳۳، ۲۳۹، ۲۵۳، ۲۶۲، ۲۹۷، ۳۰۲، ۳۱۵.

علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام است وارد شده است. مآخذ اهل سنت نیز این روایات را نقل کرده‌اند، به ویژه روایاتی که آن حضرت را از نسل حضرت فاطمه علیها السلام دانسته‌اند. اینکه به نقل این روایات می‌پردازیم.

- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: مهدی از نسل شما دو تن [فاطمه علیها السلام و امیرالمؤمنین علی علیه السلام] است که خداوند به وسیله او زمین را آکنده از عدل و داد خواهد کرد.^۱

- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: علی بن ابی طالب پیشوای امت من و پس از من جانشینم بر ایشان است و قائم منتظری که زمین را سرشار از عدل و داد خواهد نمود، از فرزندان اوست.^۲

- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: مهدی از خاندان من، از نسل فاطمه است.^۳

روایات اهل سنت درباره اینکه مهدی از نسل فاطمه علیها السلام می‌باشد بسیار است، از میان آنها می‌توان به آنچه که مؤلفانی همچون ابن کثیر^۴، قرطبی^۵، سهیلی^۶، قنوجی^۷، برزنجی^۸، عبدالمحسن العباد^۹ و ابن طلحه شافعی^{۱۰} در آثار خود آورده‌اند اشاره نمود. بستوی نیز در اثری^{۱۱} که از قتاده نقل کرده نظر سعیدبن مسیب را مبنی بر اینکه مهدی علیه السلام از نسل فاطمه می‌باشد بیان نموده است.^{۱۲}

وی در جایی دیگر، اینکه مهدی از نسل فاطمه است را از ام سلمه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است.^{۱۳}

۱- فرات کوفی، ابوالقاسم، التفسیر، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق، تهران، بی‌جا، ۴۶۴ و ۴۶۵، ذیل واقعه ۱۰/۵۶.

۲- ابوحزمه ثمالی، ثابت‌ابن دینار، تفسیر القرآن الکریم، گردآوری و تحقیق عبدالرزاق محمد حسین حرزالدین، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق، قم، انتشارات الهادی، ۱۳۹، ذیل آل عمران ۱۴۱/۳.

۳- طبرسی، ۱۲۰/۷، ذیل انبیاء ۱۰۵/۲۱؛ سیوطی، ۵۸/۶، ذیل محمد صلی الله علیه و آله و سلم ۱۸/۴۷.

۴- ابن کثیر، البدایة و النهایة، ۱۰/۱۶۲.

۵- نک: بستوی، ۴۳ و ۴۵ و ۵۰.

۶- العباد، ۱۶۲.

۷- نک: عسکری، ۳۵۶.

۸- منظور از «اثر» در این عبارت، گفتاری است که از یک صحابی یا تابعی نقل شده است.

۹- بستوی، ۲۲۴.

۱۰- همو، ۱۹۵؛ او به اینکه «مهدی علیه السلام از نسل فاطمه علیها السلام است» معتقد می‌باشد، نک: همو، ۳۵۶.

۵- ب- امام حسن مجتبیٰ علیه السلام

شیعیان با دیدگاه آن دسته از علمای اهل سنت که مهدی را از نسل امام حسن مجتبیٰ علیه السلام می‌دانند اختلاف نظر دارند. برخی از علمای اهل سنت با وجود اعتقاد به ظهور مهدی، بر این باورند که او هنوز به دنیا نیامده است و آن حضرت را از نسل امام حسن علیه السلام پنداشته و روایاتی را نیز در تألیفات خود به عنوان شاهد آورده‌اند. در تفاسیر اهل سنت، سیوطی چنین روایتی را نقل کرده است:

- ابو داود از ابواسحاق روایت کرده است که علی به پسرش حسن نگریست و گفت: «این پسر سرور شماست همچنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده و به زودی از نسل او مردی خواهد آمد که زمین را پر از عدل خواهد کرد.»^۱

در تأیید این روایت، شاهی از مجموعه‌های روایی مدون شیعی وجود ندارد اما علمای اهل سنت روایاتی را در این معنا آورده‌اند:

- ابن تیمیه در *منهاج السنه* در رد کسانی که معتقدند مهدی فرزند حسن عسکری است روایت فوق را مستند قرار داده است.^۲

- ابن کثیر در *درالفتن و الملاحم* با آوردن روایت مذکور به اینکه مهدی از نسل امام حسن علیه السلام است و نه امام حسین علیه السلام، تصریح نموده است.^۳

عبدالمحسن العباد ضمن تصریح بر اینکه مهدی از نسل امام حسن علیه السلام می‌باشد، این قول را به شیخ ابوالحسن سمهودی منتسب نموده است. وی راز این امر را ترک خلافت امام حسن علیه السلام بخاطر دلسوزی‌اش برای امت اسلام دانسته و می‌گوید: «این سنت الهی است که چنانچه بنده‌ای چیزی را بخاطر او ترک کند، خداوند بالاتر از آن را به فرزندانش نصیب فرماید.»^۴

۱- سیوطی، ۵۸/۶، ذیل محمد صلی الله علیه و آله و سلم / ۱۸/۴۷.

۲- نک: بستوی، ۵۰.

۳- نک: همو، ۵۳.

۴- العباد، ۱۴۴.

۶- ب- امام حسین علیه السلام

در مقابل رأی این دسته از علمای اهل سنت، بسیاری از روایات شیعی بیانگر آنست که امامت در نسل امام حسین علیه السلام ادامه پیدا کرده و مهدی که انتظار ظهورش را می‌کشند ذریهٔ اوست. به عنوان مثال دو روایت در اینجا ذکر می‌شود:

- ابوهاشم جعفری از امام محمد تقی علیه السلام نقل کرده که خضر پس از شنیدن جواب سئوالاتش از امام حسن علیه السلام در حضور امیرالمؤمنین علیه السلام، به یگانگی پروردگار، رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامت ائمه هدی از امیرالمؤمنین علیه السلام تا مهدی علیه السلام شهادت داد. در این روایت نام یکایک امامان شیعه ذکر شده است.^۱

- مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایتی در شرح آیه «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ»^۲ (زخرف/۴۳/۲۸) نقل نموده که منظور، قرار دادن امامت در نسل حسین علیه السلام است.^۳ بر خلاف آنچه در قسمت قبل، ذیل ترجمهٔ امام حسن علیه السلام عنوان شد، شیعیان اعتقاد راسخ دارند که مهدی از نسل امام حسین علیه السلام است و روایاتی در این زمینه در تفاسیر و کتب دیگر خود نقل نموده‌اند که نمونه‌هایی از آنها ذیلاً ذکر می‌شوند.

- امام باقر علیه السلام در پاسخ حمران که پرسیده بود فرزندان امام حسن علیه السلام معتقدند قائم از ایشان است و فرزندان محمد بن حنفیه نیز بر همین پندارند، فرمود: «امام حسن علیه السلام هنگام ضربت خوردن امیرالمؤمنین علی علیه السلام، چهل هزار شمشیر را در نیام کرد و آن را به معاویه تسلیم نمود؛ و محمد بن علی (یعنی ابن الحنفیه) هفتاد هزار شمشیر را به نیام برد، که چنانچه خطری برایشان وارد می‌شد، تا پای مرگ پایداری می‌کردند، و امام حسین علیه السلام با هفتاد مرد خروج نمود و خود را بر خداوند عرضه داشت. چه کسی به خونخواهی او شایسته‌تر از ماست، به خدا سوگند، ما صاحبان امریم و قائم در میان ماست.»^۴

۱- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش، تهران، انتشارات وفا، ۴۶۸/۲.

۲- و او آن را در پی خود سخنی جاویدان کرد.

۳- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۶۶/۱۲.

۴- عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، بی‌تا، تهران، مکتبه العلمیة الاسلامیة، ۲۹۱/۲، ذیل اسراء/۱۷/۳۳.

- امام حسین علیه السلام: دوازده مهدی از ما است که اول آنها امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب و آخرین آنها نهمین از فرزندان [از نسل] من است. اوست قیام کننده به حقی که زمین را زنده کند پس از آنکه مرده باشد.^۱

- امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطاب به امام حسین علیه السلام: نهمین از فرزندان [از نسل] تو، قیام کننده به حق است.^۲

غیر از آنچه از تفاسیر شیعه نقل شد، برخی تألیفات اهل سنت روایاتی در تأیید اینکه مهدی علیه السلام از نسل امام حسین علیه السلام است، آورده‌اند.

- قندوزی در باب پنجاه و ششم از ینابیع المودة ذیل «المودة العاشرة: فی عدد الائمة و انّ المهدی منهم علیه السلام» دو روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده که مهدی علیه السلام از نسل امام حسین علیه السلام است.^۳ همچنین در باب هشتاد و ششم از همین کتاب، گفتار علمایی از اهل سنت، همچون ابن طلحه شافعی، صلاح الدین صفدی، محمدبن یوسف کنجی شافعی، ابن صباغ مالکی و محمدبن ابراهیم جوینی حموی شافعی را در اینکه مهدی موعود همان فرزند ابومحمد حسن عسکری است نقل نموده است.^۴

بنابراین در رأی اهل سنت بر اینکه مهدی از نسل امام حسن علیه السلام است و نه امام حسین علیه السلام، اجماعی وجود ندارد و برخی از علمای ایشان روایات و آراء شیعه را در این باره اتخاذ نموده‌اند.

۷- ب- امام رضا علیه السلام

برخی روایات در تفاسیر شیعی به اینکه مهدی از فرزندان امام علی بن موسی الرضا علیه السلام است، تصریح کرده‌اند، بعضی از منابع اهل سنت نیز روایت زیر را که اینک نقل می‌شود، آورده‌اند:

- امام رضا علیه السلام در پاسخ به حسین بن خالد که پرسید: «کدام یک از شما اهل بیت،

۱- حویزی، ۲۴۳/۵، ذیل حدید ۱۷/۵۷.

۲- همو، ۲۷۱/۵، ذیل مجادله ۲۲/۵۸.

۳- قندوزی، ۳۱۵/۲-۳۱۷.

۴- همو، ۳۴۷/۳ و ۳۴۸.

قائم هستید؟» فرمود: «فرزند چهارم [از نسل] من،....، خداوند به وسیله او زمین را از ستم پاک می‌کند.»^۱

- قندوزی به غیر از روایت فوق روایت دیگری را از *فرائد السمطين* تألیف حموی شافعی، از احمد بن زیاد از دعبل خزاعی نقل کرده که امام رضا علیه السلام طی آن مهدی علیه السلام را فرزند چهارم از نسل خود بر شمرده است.^۲

در مجموع بنا بر آنچه نقل شد برخی از علمای اهل سنت، آراء شیعی را در این موضوع پذیرفته‌اند ولی برخی دیگر یا تفکر مهدویت را انکار و یا در صحت آن تردید کرده‌اند، بعضی از علمایی که آن را پذیرفته‌اند نیز آن حضرت را از نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت فاطمه علیها السلام و امام حسن مجتبی علیه السلام دانسته‌اند.

ج- ولادت منجی و حوادث مربوط به آن

برخی تفاسیر شیعی و کتابهایی از اهل سنت درباره زاده شدن منجی و حوادث مربوط به آن، اخباری نقل کرده‌اند که راوی همه آنها حکیمه دختر امام جواد علیه السلام، عمه بزرگ امام حسن عسکری علیه السلام است.

- حکیمه دختر امام جواد علیه السلام نقل می‌کند: که امام ابو محمد علیه السلام به او فرمود: "امشب را نزد ما باش، زیرا امشب آن مولودی که نزد خدای تعالی گرامی است و خداوند به سبب او زمین را پس از مردنش زنده می‌کند، زاده می‌شود." گفتیم: "از چه کسی متولد می‌شود؟ من در نرجس آثار بارداری نمی‌بینم." فرمود: "از همان نرجس نه از دیگری." آنگاه نزد نرجس رفتم اما نشانه‌ای از بارداری در او نیافتم. به امام اطلاع دادم. با تبسم فرمود: «هنگام فجر آثار حمل برای تو نمودار خواهد گردید، زیرا مثل او مثل مادر موسی علیه السلام است که آثار بارداری در او ظاهر نگردید و تا هنگام ولادت نوزاد هیچکس از آن آگاه نشد.»

حکیمه در ادامه گوید: ابو محمد علیه السلام بانگ برآورد و به من فرمود: «او را نزد من آور.» نوزاد را نزد او بردم... و چون او را که در دستان من بود، مقابل ابو محمد علیه السلام گرفتم، بر پدر

۱- حویزی، ۴/۴۷، ذیل شعراء ۴/۲۶؛ قندوزی، ۳/۳۸۷، آلا اینکه در روایت قندوزی، راوی بجای حسین بن خالد، حسن بن خالد ذکر شده است.

۲- قندوزی، ۳/۳۰۹، ۳۱۰.

خود سلام کرد. امام او را از من گرفت، در حالی که پرنده‌گانی بر بالای سرش در پرواز بودند. به یکی از آنها گفت: «او را بگیر و نگاهدار و هر چهل روز یک بار به نزد ما بازگردان». آن پرنده او را برگرفت و به آسمان بالا برد و پرنده‌گان دیگر نیز به دنبال او رفتند. شنیدم که ابو محمد علیه السلام می‌گفت: "تو را به کسی سپردم که مادر موسی، موسی را به او سپرد." آنگاه نرجس گریست و امام به او فرمود: "خاموش باش که بر او شیر خوردن جز از سینه تو حرام است و به زودی نزد تو باز می‌گردد، همچنان که موسی به مادرش بازگردانیده شد و این قول خدای تعالی است که «فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَكَا تَحْزَنَ»^۱. (قصص/۱۳/۲۸).

در روایتی دیگر، از حکیمه دختر امام جواد علیه السلام آورده‌اند: چون روز هفتم [پس از تولد مهدی] فرا رسید نزد ابو محمد علیه السلام رفتم، به من فرمود: «فرزندم را نزد من آور.» من سرورم را که در خرقره‌ای بود آوردم، ابو محمد زبانش را در دهان او گذاشت و گویا شیر و عسل به وی می‌داد. آنگاه فرمود: «فرزندم، سخن گو.» و او گفت: "اشهدان لا اله الا الله" و بر محمد صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و ائمه طاهرين علیهم السلام درود فرستاد، تا آنکه به پدرش رسید. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. وَتَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُم مَّا كَانُوا يَحْذَرُونَ»^۲. (قصص/۵-۶).

- از حکیمه نقل کرده‌اند که گفت: ابو محمد علیه السلام به من امر کرد تا در شب میلاد قائم علیه السلام نزد ایشان بمانم، پس آن شب را تا طلوع فجر در کنار نرجس و مراقب او بودم. وی بی آنکه حرکتی کند، خوابیده بود، هنگام طلوع فجر هراسان از جا پرید، در آغوشش

۱- پس او را به مادرش بازگردانیدیم تا چشمش [بدو] روشن شود و غم نخورد.

۲- حویزی، ۱۱۲/۴ و ۱۱۳، ذیل قصص/۱۳/۲۸.

۳- و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم و در زمین قدرشان دهیم و [از طرفی] به فرعون و هامان و لشکریانشان آنچه را که از جانب آنان بیمناک بودند بنمایانیم.

۴- همو، ۱۱۰/۴، ذیل قصص/۵-۶.

گرفتم و بر او بسم الله خواندم. ابو محمد علیه السلام فرمود: "بر او انا انزلناه بخوان"، خواندم و پرسیدم: "چگونه‌ای؟" گفت: "امری که مولایم خبر داد، در من نمایان شده است." من نیز همچنان بر او [انا انزلناه] می‌خواندم و طفل در شکم [مادر] در پاسخ، آنچه را می‌خواندم، خواند و بر من سلام کرد، از آنچه شنیدم هراسان شدم.^۱

علاوه بر روایات فوق که مربوط به ولادت منجی و چگونگی آن می‌باشد، برخی روایات نیز درباره پوشیده بودن ولادت منجی بر مردم و شک آنان در ولادت آن حضرت است:

- امام محمد تقی علیه السلام: او [مهدی] کسی است که ولادتش از مردم پنهان بوده است.^۲

- امام رضا علیه السلام: او [مهدی] کسی است که مردم در ولادتش شک می‌کنند.^۳

درباره ولادت منجی در تألیفات اهل سنت هرچه آمده، از منابع شیعی اخذ شده است. به عنوان مثال، قندوزی از کتاب *الغیبه* شیخ طوسی سه روایت و از کتاب *فصل الخطاب* خواجه محمد پارسا شاه نقشبند یک روایت، که راوی همه آنها حکیمه دختر امام محمد تقی علیه السلام می‌باشد، درباره ولادت مهدی علیه السلام نقل کرده و گفتاری نیز از ابن حجر در *الصواعق المحرقة* در تأیید ولادت آن حضرت از صلب امام حسن عسکری علیه السلام ذکر کرده است.^۴

د- ویژگی‌های منجی

منجی با مسئولیتهای خطیر و سنگینی که بر عهده‌اش می‌باشد، بی‌تردید ویژگیهای ظاهری و معنوی دارد که او را از دیگران ممتاز می‌کند.

منطقی نیست که خداوند متعال شخصی را برای چنین مأموریتی برگزیند ولی امتیازی در وجود او قرار نداده باشد، همچنانکه طالوت را بر بنی اسرائیل برگزید و او را به برتری در علم و جسم بر دیگران امتیاز بخشید: «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا

۱- همو، ۶۱۶/۵، ذیل قدر/۱۹۷.

۲- همو، ۱۳۸/۱، ذیل بقره/۱۴۸.

۳- همو، ۴۷/۴، ذیل شعراء/۲۶.

۴- قندوزی، ۳۰۱/۳-۳۰۶.

قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكُهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ^۱ (بقره/۲/۲۴۷)

امتیاز طالبوت در علم و جسم در حالی است که تنها برای فرمانروایی بر بنی اسرائیل برانگیخته شد، در حالیکه منجی برای فرمانروایی بر سراسر جهان برانگیخته خواهد شد، بنابراین برای داشتن چنین امتیازاتی سزاوارتر است. ویژگی‌هایی را که برای منجی برشمرده شده، می‌توان به دو بخش ظاهری و معنوی تفکیک نمود.

۱-د- ویژگی‌های ظاهری

این دسته از ویژگی‌ها عموماً ناظر بر جسم و ظاهر منجی هستند و همانطور که درباره طالبوت اشاره شد، چنین صفاتی حتی مورد تصریح خداوند در قرآن کریم نیز قرار گرفته است.

بنابراین آنچه می‌توان از این آیه و نظریات پیرامون آن استنباط کرد،^۲ این است که چون نجات جامعه بشری از ظلم و ستم از جمله بزرگترین مأموریت‌های الهی است متقابلاً باید منجی نیز از ویژگی‌هایی در روح و جسم نسبت به آحاد مردم برخوردار باشد. ویژگی‌هایی که به بعضی از آنها شناخته شود و به بعضی دیگر بر سایر مردم امتیاز یابد. اکنون روایات مربوط ارائه می‌شود.

- رسول خدا ﷺ: مهدی پیشانی فراخ و تابناک و بینی کشیده میان برآمده دارد.^۳

۱- پیامبرشان به آنان گفت در حقیقت خداوند طالبوت را بر شما به پادشاهی گماشته است گفتند چگونه او را بر ما پادشاهی باشد با آنکه ما به پادشاهی از وی سزاوارتریم و به او از حیث مال گشایشی داده نشده است پیامبرشان گفت در حقیقت خدا او را بر شما برتری داده و او را در دانش و [نیروی] بدنی بر شما برتری بخشیده است و خداوند پادشاهی خود را به هر کس که بخواهد می‌دهد و خدا گشایشگر داناست.

۲- مانند آنچه علامه طباطبایی ذیل آیه ۲۴۷ بقره آورده است، نک: طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ هفتم، ۱۴۲۳ ق، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۲/۲۹۷.

۳- سیوطی، ۵۷/۶، ذیل محمد ﷺ/۱۸/۴۷.

- امام رضا علیه السلام: او [مهدی] کسی است که سایه ندارد.^۱

- حکیمه دختر امام محمد تقی علیه السلام: هنگامی که قائم متولد شد، پاکیزه بود و بر دست راستش نوشته شده بود: «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَّقَ الْبَاطِلُ»^۲ (اسراء/۱۷/۸۱).^۳

- حکیمه دختر امام محمد تقی علیه السلام: پس از چهل روز کودک [یعنی مهدی] برگردانیده شد،^۴ برادرزاده‌ام به دنبال فرستاد، وقتی وارد شدم ناگهان دیدم همان کودک [چهل روزه] در مقابلش راه می‌رود. گفتم: «آیا این کودک دو ساله نیست؟» [امام حسن عسکری علیه السلام] تبسمی کرد و فرمود: «اولاد انبیاء و اوصیاء علیهم السلام اگر امام باشند، به خلاف دیگران رشد می‌کنند و کودک یک ماهه ما مانند کودک یکساله باشد».^۵

روایت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که مربوط به مشخصات چهره مهدی علیه السلام است از تفاسیر شیعی بدست نمی‌آید، اما در دیگر تألیفات شیعی از جمله غیبت نعمانی با عباراتی فزونتر از آنچه سیوطی آورده مشاهده می‌شود.^۶ روایت نعمانی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل شده است.

اما عین روایت سیوطی را ابن بطریق^۷، سیدابن طاووس^۸ و مجلسی^۱ نقل کرده‌اند.

۱- حویزی، ۴/۴۷، ذیل شعراء/۲۶/۴.

۲- و بگو حق آمد و باطل نابود شد،

۳- فیض کاشانی، محمدبن مرتضی، الصافی فی تفسیر کلام الله، تصحیح حسین اعلمی، چاپ دوم، ۱۴۱۶ ق، تهران، مکتبه الصدر، ۳/۲۱۲ و ۲۱۳، ذیل اسراء/۱۷/۸۱.

۴- اشاره به روایت صفحات ۲۱ و ۲۲ همین تحقیق.

۵- شیخ صدوق، محمدبن علی، کمال الدین و تمام النعمة، تصحیح علی اکبر غفاری، ۱۴۰۵ ق، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۴۲۹. این روایت در واقع ادامه روایت اولی است که از حکیمه درباره چگونگی ولادت مهدی علیه السلام نقل شد و حویزی (۴/۱۱۲ و ۱۱۳) آن را نقل کرده ولی ادامه روایت را نیاورده است. شایان ذکر است در صورت صحت این روایت، چنین رشدی بایست درباره دیگر ائمه، از جمله حسنین علیهم السلام، نیز نقل می‌شد، اما نشده است.

۶- نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغیبة، تحقیق فارس حسون کریم، چاپ اول، ۱۴۲۲هـ.ق، قم، انوار الهدی، ۲۲۳.

۷- ابن بطریق، یحیی بن حسن، عمدة عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الأبرار، ۱۴۰۷ ق، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۴۳۳.

۸- ابن طاووس، علی بن موسی، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ۱۳۹۹ ق، قم، مطبعة الخيام، ۱۷۷؛ ابن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن المعروف بالملاحم و الفتن، چاپ اول،

عبدالعظیم بستوی نیز ضمن نقل روایت مذکور در باب روایاتی که نام مهدی علیه السلام صراحتاً در آنها ذکر شده، نشانه‌های مذکور را در شمار مطالب ثابت و پذیرفتنی درباره آن حضرت برشمرده است.^۲

روایات دیگر که از امام رضا علیه السلام و حکیمه دختر امام محمد تقی علیه السلام نقل شده، در تفاسیر اهل سنت نیامده‌اند ولی برخی تالیفات غیر تفسیری ایشان، آنها را نقل کرده‌اند. از جمله روایت امام رضا علیه السلام را قندوزی از *فرائد السمطين* حموی نقل کرده است.^۳

۲-۲- ویژگی‌های معنوی

این دسته از ویژگی‌ها مبتنی بر مقامات روحی و معنوی می‌باشد و برخلاف ویژگی‌های ظاهری معمولاً در بادی امر قابل شناخت نیستند. درباره طالوت نیز به رغم اینکه شخصی جنگاور بود، اما خداوند برتری دانش وی را بر برتری جسمی‌اش اولویت داده است چرا که در فرمانروایی و حتی کارزار، درایت رهبر و فرمانده بر امکانات و ادوات اولویت دارند. در خصوص منجی نیز این نوع ویژگی‌ها به لحاظ کمیت در روایات تفسیری طیف گسترده‌تری را شامل می‌شوند که حاکی از صلاحیت و شایستگی ایشان برای احراز مقام منجی است. این ویژگی‌ها را می‌توان به مقام و منزلت، علم، عملکرد و شباهت او به انبیاء علیهم السلام تفکیک کرد.

۱-۲-۲- مقام و منزلت آن حضرت

نکته اول در خصوص ویژگی‌های معنوی آن حضرت، مقام و منزلت ایشان است، مقامی که خداوند وی را به آن مفتخر ساخته و عنان اصلاح جهانی جامعه بشری را به او سپرده است. این ویژگی‌ای است که ذکرش همواره قرین یاد آن حضرت واقع شده است و کمتر سخنور و نویسنده‌ای است که از او بگوید و بنوسید و از مصلح بودنش بگذرد. تألیفات شیعه و سنی در تفسیر و غیر آن از مقام و منزلت غفلت نورزیده و درباره آن

۱۴۱۶ق، اصفهان، گلپهار، ۱۵۳ و ۲۷۴.

۱- مجلسی، ۳۶/۳۶۸.

۲- بستوی، ۱۶۶ و ۳۵۶.

۳- قندوزی، ۳/۲۹۷ و ۳۸۷.

روایاتی متعدد نقل کرده‌اند.

- امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: نوری از خدا در [وجود] من است که در علی و نسل او تا مهدی جاری شود. او برگزیده خداوندست و خیر دهنده از جانب او، متنبه به امر اسلام و ایمان، رشید سدید و تفویض کننده کارش به خداوند است، پیشینیان به آمدنش بشارت داده‌اند، حجتی بعد از او نیست، هر کجا که باشد حق با اوست، نوری نیست مگر نزد او، احدی را توان غلبه بر او نیست، ولی خدا بر اهل زمین، حکم او در میان خلقش، امین او در نهان و آشکار و آخرین امام از امامان هدایت است.^۱

- امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله: مهدی از فرزندان من است که چون خروج کند، عیسی بن مریم برای یاریش فرود خواهد آمد، او را مقدم خواهد داشت و به امامتش نماز خواهد گزارد.^۲

امیرالمؤمنین علی علیه السلام: مهدی کسی است که در شب قدر ملائکه با امور مربوط به رزق، اجل، عمل، زندگی، مرگ، علم غیب آسمان‌ها و زمین و معجزاتی که جز از خداوند و اصفیائش و رابطین میان او و خلقش شایسته نیست، بر او نازل می‌شوند.^۳

- امیرالمؤمنین علی علیه السلام: مهدی همان بقیة الله است.^۴

- امام کاظم علیه السلام: مهدی همان موعودی است که یاری خواهد شد.^۵

- امام صادق علیه السلام: خداوند مهدی را منصور نامیده همچنانکه محمد صلی الله علیه و آله را محمود و عیسی علیه السلام را مسیح نامیده است.^۶

۱- فیض کاشانی، ۶۱/۲-۶۴، ذیل مانده ۶۷/۵.

۲- حویزی، ۱۶۶/۵، ذیل نجم ۳۲/۵۳.

۳- همو، ۶۲۶/۴، ذیل دخان ۳/۴۴-۴؛ حویزی این روایت را از الاحتجاج طبرسی نقل کرده است، نک، طبرسی، احمدین علی بن ابی طالب، الاحتجاج، ۱۳۸۶ق، نجف اشرف، مطابع النعمان، ۳۷۵/۱.

۴- حویزی، ۳۹۲/۲، ذیل هود ۸۶/۱۱؛ این روایت را نیز حویزی از الاحتجاج طبرسی (همانجا) نقل کرده است.

۵- فیض کاشانی، ۳۱۶/۷، ذیل جن ۲۴/۷۲؛ فیض کاشانی این روایت را از کافی شیخ کلینی نقل کرده است، نک: کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ ش، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۴۳۴/۱.

۶- فرات کوفی، ۲۴۰، ذیل اسراء ۳۳/۱۷.

- امام باقر علیه السلام: مهدی کلمة الله است.^۱
- امام باقر علیه السلام: مهدی کسی است که خداوند از انبیاء اولوالعزم درباره‌اش پیمان گرفته است.^۲
- امام باقر علیه السلام: مهدی کسی است که فقط به اراده خداوند از پرده غیبت بیرون آید.^۳
- امام صادق علیه السلام: تبعیت از مهدی بر هدایت یافتگان بینفراید.^۴
- امام مهدی علیه السلام: خطاب به ابن مهزیار: ما امر خدا و لشکر او هستیم.^۵
- ابن کثیر: مهدی از خلفای اثنی عشری است که در روایت ابن مسعود و جابرین سمره آمده است.^۶
- قرطبی: روایت شده که به زودی از این امت پنجمین پادشاه جهان بر زمین فرمانروایی خواهد نمود و او مهدی است.^۷
- روایت اول را که امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرموده، فیض کاشانی از احتجاج طبرسی نقل کرده، که عبارت است از احتجاجی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در روز غدیر نموده و طبرسی سند آن را به علقمه بن محمد حضرمی رسانیده و قسمتی از این روایت در واقع در وصف مهدی علیه السلام است.^۸
- روایت دوم را حویزی از احتجاج طبرسی از معمر بن راشد از امام صادق علیه السلام نقل کرده است.^۹

۱- قمی، علی بن ابراهیم، التفسیر، تصحیح سید طیب جزایری، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ق، قم، دارالکتاب، ۲/۲۷۵، ذیل شوری/۲۴/۴۲؛ شایان ذکر است طبق روایت مذکور، کلمة الله بودن منحصر به حضرت مهدی علیه السلام نیست بلکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و اوصیانش علیهم السلام از جمله مصادیق دیگر آن هستند.

۲- قمی، ۶۶/۲، ذیل طه / ۱۱۵/۲۰.

۳- فیض کاشانی، ۲۵۳/۷، ذیل ملک / ۳۰/۶۷.

۴- فیض کاشانی، ۲۹۲/۳، ذیل مریم / ۷۶/۱۹.

۵- حویزی، ۳۰۰/۲، ذیل یونس / ۲۴/۱۰.

۶- ابن کثیر، ۳۴/۲، تفسیر القرآن العظیم، ذیل مائده / ۱۲/۵.

۷- قرطبی، ۴۷/۱۱ و ۴۸، ذیل کهف / ۸۳/۱۸.

۸- طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، ۷۷/۱-۸۰.

۹- همو، ۵۴/۱ و ۵۵.

عبارت «چون مهدی علیه السلام که از نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است خروج کند، عیسی علیه السلام برای یاریش نازل شود و پشت او نماز گزارد» در روایات متعددی بطور صریح یا ضمنی آمده است.

در منابع اهل سنت گذشته از بخاری و مسلم که در صحیحین، روایاتی را که صراحتاً نام مهدی در آن آمده باشد، نقل نکرده‌اند، دیگر منابع اهل سنت به طور گسترده‌ای به نقل این روایات مبادرت نموده‌اند. صحیحین در عین حال بدون اشاره به نام مهدی علیه السلام، به ذکر روایاتی که عیسی بن مریم علیه السلام به امامت مردی از نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نماز خواهد خواند پرداخته‌اند.^۱

روایت امام صادق علیه السلام که فرات ذیل آیه ۳۳ سوره اسراء نقل کرده در منابع اهل سنت مورد اشاره قرار نگرفته است. ولی تفاسیر شیعه غیر از فرات کوفی، از جمله تفسیر عیاشی^۲ و نورالتقلین حویزی^۳ به نقل این روایت که در آن مهدی علیه السلام، منصور نامیده شده است اقدام کرده‌اند. البته در روایات اهل سنت روایتی از ابن عباس بدین شرح نقل شده است:

- «سفاح، منصور و مهدی از ما هستند». این روایت را خطیب از ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است.^۴

بستوی نیز ضمن نقل این روایت مراد از این مهدی را مهدی عباسی برشمرده و از قول ابن کثیر، آن مهدی را که احادیثی در خروجش در آخر الزمان نقل شده، غیر از مهدی عباسی دانسته است.^۵

به هر حال طبق آنچه از منابع اهل سنت نقل شده مهدی و منصور، جدا از هم و دارای دو شخصیت هستند، اما تفاسیر شیعه ذیل آیه ۳۳ سوره اسراء، مهدی علیه السلام را که منجی خواهد بود به دلیل اینکه به خونخواهی امام حسین علیه السلام خواهد پرداخت و از طرف خداوند

۱- تفصیل این بحث در صفحات ۸۳ تا ۸۸ همین تحقیق بیان خواهد شد.

۲- عیاشی، ۲/۲۹۰، ذیل اسراء/۳۳/۱۷.

۳- حویزی، ۳/۱۶۳، ذیل اسراء/۳۳/۱۷.

۴- خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد أو مدینة السلام، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، چاپ اول، اول، ۱۴۱۷ ق، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۸۴/۱.

۵- بستوی، ۲۰۸-۲۱۳.

یاری خواهد شد منصور دانسته‌اند.

درباره روایت امام باقر علیه السلام که از انبیاء اولوالعزم درباره مهدی علیه السلام پیمان گرفته شده، غیر از تفسیر قمی که روایت را نقل کرده است، فیض کاشانی^۱، حویزی^۲ و علامه طباطبایی^۳ نیز به آن اشاره کرده‌اند و البته این مفهوم یکی از وجوه تفسیری مربوط به آن است همچنان که عزم و اراده بر ادای رسالت نیز از جمله وجوه دیگر انگاشته شده است.

روایت دیگر امام باقر علیه السلام که به ظهور مهدی علیه السلام تنها به اراده الهی اشاره می‌کند، در واقع برداشتی است از روایت حضرت که ذیل آخرین آیه سوره ملک آمده است و غیر از فیض کاشانی، قمی^۴ و حویزی^۵ نیز متذکر آن شده‌اند.

دیگر روایات نیز صرفاً در مآخذ نقل شده قابل مشاهده هستند و همانطور که گفته شد این روایات معمولاً از مآخذ شیعی هستند، همین‌طور دیگر روایات این فصل که بتدریج و در جای خود نقل خواهند شد.

بیشترین روایات مربوط به «مقام و منزلت آن حضرت» از تفسیر نورالثقلین و پس از آن از صافی فیض کاشانی نقل شده است، بدون اینکه نقدی درباره آنها ارائه دهند.

۲-۲-۵- علم آن حضرت علیه السلام

جایگاه مهم منجی ایجاب می‌کند که از هرگونه خطایی، به عمد یا سهو، مصون و محفوظ باشد تا بتواند در پرتو این مصونیت راهبری جامعه بشری را عهده‌دار شود و بار سنگین آن را به مقصد رساند. در این رابطه، علاوه بر مقام امامت منجی که در عموم روایات، به ویژه روایات شیعی نقل شده است، روایات ذیل نیز مشاهده می‌شود:

- سعدبن عبدالله قمی گوید: در سامراء بر امام حسن عسکری علیه السلام وارد شدم. مولای ما قائم علیه السلام که پسر بچه‌ای بود، برپای راست امام نشسته بود. با خود طوماری حاوی چهل و

۱- فیض کاشانی، ۳/۳۲۲ و ۳۲۳، ذیل طه / ۱۱۵/۲۰.

۲- حویزی، ۲/۹۴، ذیل اعراف / ۱۷۲/۷.

۳- طباطبایی، ۱۴/۲۳۰، ذیل طه / ۱۱۵/۲۰.

۴- قمی، ۲/۳۷۹، ذیل ملک / ۳۰/۶۷.

۵- حویزی، ۵/۳۸۶، ذیل ملک / ۳۰/۶۷.

چند مسأله که جوابشان را نیافته بودم همراه داشتم. آنها را از حضرت قائم علیه السلام سؤال کردم و او پاسخ داد.^۱

- امام صادق علیه السلام: هنگامی که قائم به پا خیزد، کسی مقابلش نایستد مگر اینکه امام بداند صالح است یا طالح.^۲

- امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله: مهدی کسی است که هر صاحب فضلی را به فضلش و هر صاحب جهلی را به جهلش نام می‌برد... او کسی است که وارث کل علوم است و بر همه دانشها احاطه دارد.^۳

روایت امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله در واقع قسمتی از روایت/احتجاج طبرسی است که مربوط به روز غدیر می‌باشد و امروزه به نام خطبه غدیر هم شناخته می‌شود، قسمت دیگری از آن قبلاً مطرح شد، و در واقع آنچه از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که مهدی علیه السلام احاطه بر تمام دانشها دارد، نسبت به احادیث دیگر از جامعیت بیشتری برخوردار است، با این وجود باید دانست که مآخذ این روایات نیز منحصر به منابع شیعی است.

البته تالیفات غیر تفسیری اهل سنت بعضاً به روایاتی که حاکی از علم مهدی علیه السلام می‌باشد و از منابع شیعی برگرفته شده است اشاره نموده‌اند، از جمله قندوزی روایتی از احمد بن اسحاق از کتاب *الغیبه* شیخ طوسی نقل کرده است که در ضمن آن امام حسن عسکری علیه السلام علم لدنی مهدی علیه السلام را به علم لدنی خضر علیه السلام تشبیه نموده‌اند.^۴ غیر از آن، روایت سعد بن عبدالله قمی را نیز از همان مأخذ با اندکی تفاوت نقل نموده است.^۵

خلاصه آنچه درباره ویژگیهای آن حضرت تاکنون نقل شد عبارتست از اینکه این روایات عموماً شیعی و از تفاسیر *نور الثقلین* و *عیاشی* نقل شده‌اند. در بین اینگونه روایات،

۱- حویزی، ۳۷۱/۵، ذیل تحریم ۵/۶۶.

۲- فیض کاشانی، ۱۱۸/۳ و ۱۱۹، ذیل حجر ۷۵/۱۵.

۳- فیض کاشانی، ۶۴/۲، ذیل مائده ۶۷/۵.

۴- قندوزی، ۳۱۷/۳.

۵- همو، ۳۱۹/۳.

مقبولیت روایت «پیشانی فراخ و تابناک و بینی کشیده میان برآمده» نزد منابع اهل سنت از نکات قابل توجه است.

۳-۲-۵- سیره عملی آن حضرت

رفتار منجی از جهتی باید برای علاقمندان و مشتاقان آن حضرت جاذب باشد و از سویی دیگر ظالمان و منافقان را از خود دفع نماید، در واقع وی مصداق اتم و اکمل «أَشِدَّاءَ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ»^۱ (فتح/۲۹/۴۸) است. در این خصوص روایات متعددی نقل شده که ابتدا به روایات تفسیری می‌پردازیم، سپس به بررسی آنها اقدام می‌کنیم.

– رسول خدا ﷺ مهدی از ظالمان انتقام خواهد گرفت، دژها را فتح خواهد کرد و از بین خواهد برد، تمامی قبایل شرک را خواهد کشت، به خونخواهی اولیاء خواهد پرداخت و دین خدا را یاری خواهد کرد.^۲

– امام صادق علیه السلام از رسول خدا ﷺ: مهدی منتقم از دشمنان خدا، مایه آسایش اولیاء خدا و شفای دل من از [آزار] ستمگران، منکران و کافران است.^۳

– امیرالمؤمنین علی علیه السلام: او [مهدی] دین رسول خدا ﷺ را آشکار کند و بر سایر ادیان تفوق بخشد.^۴

– امام حسین علیه السلام: مهدی قائم به حقی است که خداوند زمین را به وجود او زنده کند پس از اینکه مرده باشد و به وسیله او دین حق را بردیگرادیان چیره گرداند گرچه خوشایند مشرکان نباشد.^۵

– امام باقر علیه السلام: مهدی وقتی قیام کند بر بنی‌امیه، تکذیب کنندگان و حيله‌گران پیروز شود.^۶

۱- بر کافران سختگیر [و] با همدیگر مهربانند.

۲- فیض کاشانی، ۶۳/۲، ذیل مانده ۶۷/۵.

۳- حویزی، ۱۲۰/۳، ذیل اسراء/۱/۱۷.

۴- همو، ۲۱۲/۲، ذیل توبه/۳۳/۹.

۵- همانجا.

۶- ابو حمزه ثمالی، ۲۹۶، ذیل شوری/۴۲/۴۱-۴۲.

- امام باقر علیه السلام: مهدی جزیه نپذیرد، در حالیکه رسول خدا صلی الله علیه و آله می پذیرفت.^۱
- امام باقر علیه السلام: خداوند محمد صلی الله علیه و آله را بعنوان نعمت و قائم را بعنوان نعمت برانگیخته است.^۲
- امام باقر علیه السلام: اگر کسی قرآنی را که مهدی آورده انکار نماید، [مهدی] گردنش را خواهد زد.^۳
- امام باقر علیه السلام: اگر [خداوند تأخیر عذاب ظالمان را] مقدر نکرده بود، قائم [پس از ظهورش] حتی یک نفر از آنها را باقی نمی گذاشت.^۴
- امام صادق علیه السلام: مهدی وقتی خروج کند ابتدا از استهزاکنندگان اهل حق انتقام گیرد.^۵
- امام صادق علیه السلام: مهدی وقتی خروج کند از نواصب خواهد خواست که به اسلام که همان ولایت است اقرار کنند و اگر نکنند یا گردنشان را خواهد زد و یا آنان نیز همچون ذمیان [می باید] جزیه پردازند.^۶
- امام صادق علیه السلام: مهدی چون از روی غضب قیام کند، از هر ۱۰۰۰ نفر ۹۹۹ نفر را به قتل رساند.^۷
- امام کاظم علیه السلام: وقتی قائم علیه السلام خروج می نماید، اسلام را بر یهود، نصاری، صابئین، زنادقه، اهل ارتداد و کفار در شرق و غرب زمین عرضه کند. هرکس از روی طوع و رغبت مسلمان شود، او را به نماز و زکات و سایر کارهایی که یک مسلمان باید انجام دهد و خداوند بر او واجب کرده، امر می کند. هرکس اسلام را نپذیرد گردنش را می زند تا آن

۱- عیاشی، ۶۰/۲، ذیل انفال/ ۳۹/۸.

۲- فیض کاشانی، ۳۵۹/۳، ذیل انبیاء/ ۱۰۷/۲۱.

۳- فیض کاشانی، ۴۷۴/۲، ذیل هود/ ۱۱۰/۱۱؛ البته این روایت با اصل سلامت قرآن از اضافه و نقصان و تحریف تناقض دارد.

۴- حویزی، ۵۷۰/۴، ذیل شوری/ ۲۱/۴۲.

۵- طباطبایی، ۴۰/۱۱، ذیل هود/ ۱۰۷/۱۱.

۶- فرات کوفی، ۲۹۳، ذیل فرقان/ ۶۳/۲۵-۷۶؛ این روایت با روایات عیاشی (۶۰/۲، ۱۸۳/۱) تناقض دارد.

۷- فرات کوفی، ۵۶۷، ذیل لیل/ ۱۴/۹۲.

- که در مشارق و مغارب [زمین] هیچکس نماند جز اینکه موحد باشد.^۱
- امام رضا علیه السلام: در پاسخ به سؤال از تعارض روایت امام صادق علیه السلام که "چون مهدی قیام کند نوادگان قاتلان امام حسین علیه السلام را به قتل رساند" با آیه «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى»^۲ (فاطر / ۱۸/۳۵)، فرمود: مهدی وقتی قیام کند، نوادگان قاتلان امام حسین علیه السلام را به دلیل رضایت از عملکرد اجدادشان به قتل رساند.^۳
- امام محمد تقی علیه السلام: مهدی زمین را از وجود کافران و منکران پاک و از قسط و عدل سرشار خواهد کرد.^۴
- امام محمد تقی علیه السلام: مهدی کسی است که چون قیام کند، چندان از دشمنان خدا بکشد تا خداوند خشنود شود و این خشنودی با نزول رحمت بر قلب امام، بر او معلوم شود.^۵
- قمی: همچون آب که به کشتزار حیات دوباره می‌بخشد، بازگشت مهدی نیز به جامعه حیات دوباره می‌بخشد.^۶
- فیض کاشانی: مهدی ترس را به آرامش تبدیل می‌کند.^۷
- آنچه از عملکرد منجی از تفاسیر شیعی نقل شد تعبیری است که عمدتاً در منابع و مآخذ شیعی یافت می‌شود ولی در مآخذ اهل سنت با این تفصیل و جزئیات نیامده‌اند. در منابع اهل سنت عموماً به کلیات عملکرد آن حضرت پرداخته شده است که نمونه‌هایی از آنها عبارتند از:
- ۱- مهدی مال و ثروت را بطور علی‌السویه در اختیار مردم قرار خواهد داد.^۸

۱- عیاشی، ۱۸۳/۱، ذیل آل عمران ۸۳/۳.

۲- و هیچ باربردارنده‌ای بار [گناه] دیگری را بر نمی‌دارد.

۳- فیض کاشانی، ۲۲۹/۱، ذیل بقره ۱۹۳/۲.

۴- حویزی، ۱۳۸/۱، ذیل بقره ۱۴۸/۲.

۵- همو، ۱۳۸/۱ و ۱۳۹، ذیل بقره ۱۴۸/۲.

۶- قمی، ۱۷۱/۲، ذیل سجده، ۲۷/۳۲.

۷- فیض کاشانی، ۴۴۴/۳، ذیل نور/۵۵/۲۴.

۸- بستوی، ۱۶۳.

۲- مهدی زمین را از قسط و عدل پر خواهد ساخت.^۱

۳- مهدی، بی شمار خواهد بخشید.^۲

البته آنچه به عنوان نمونه از منابع اهل سنت نقل شد، با قدری اغماض قابل انطباق با نمونه‌های شیعی می‌باشند. یاری دین خدا، آشکار کردن دین حق و چیرگی آن بر سایر ادیان از جمله مصادیق این انطباق هستند. در واقع در روایات اهل سنت از رأفت و غضب آن حضرت چندان خبری نیست در حالی که روایات شیعی توجه بسیاری به این ابعاد نموده‌اند.

۴-۲-۵- شباهت او به انبیاء علیهم‌السلام

یکی از مباحث مبهم پیرامون منجی که روایات، به ویژه در منابع شیعی به آن پرداخته‌اند، شباهت وقایع مربوط به وی و برخی انبیاء الهی علیهم‌السلام است.

امام حسن عسکری علیه‌السلام: برخوردار از عمری طولانی و غیبت که از سنتهای انبیاء علیهم‌السلام است، در مورد او [منجی] جاری است، چندان که دلها به سبب طولانی بودن مدت [غیبت] سخت گردد.^۳

در تفاسیر به جز این وجه اشتراک، مصادیقی از شباهت بین منجی و انبیاء علیهم‌السلام نیز یاد شده است:

- امام صادق علیه‌السلام: مهدی همچون نوح علیه‌السلام ایام غیبتش^۴ طولانی می‌شود تا حق محض و ایمان خالص از ناخالص مشخص گردد و هر کس از شیعیان که طینت ناپاکی دارد و به طمع استخلاف و تمکین و امنیت روزگار قائم نفاق ورزند، از دین بیرون رود.^۵

- امام صادق علیه‌السلام: [قائم علیه‌السلام] همچون صالح، وقتی که به سوی قومش باز می‌گردد، گروهی انکارش کنند، عده‌ای در صالح بودن او تردید کنند و بعضی دیگر به صالح بودن

۱- همو، ۱۶۶ و ۱۷۶ و ۲۳۳ و...

۲- همو، ۳۲۰، ۳۵۶.

۳- حویزی، ۲۷۱/۵، ذیل مجادله/ ۲۲/۵۸.

۴- در صدر روایت در کمال‌الدین صدوق (۳۵۴) اشاره به ابطاء نوح علیه‌السلام (تاخیر نوح) شده است.

۵- فیض کاشانی، ۴۴۴/۳، ذیل نور/ ۵۵/۲۴.

او یقین آورند.^۱

- امام باقر علیه السلام: [مهدی علیه السلام] همچون یعقوب علیه السلام به پرستش پروردگار یکتا سفارش کند.^۲

- امام باقر علیه السلام: مهدی همچون یوسف از خاص و عام، حتی برادران و پدرش غایب شود، احوالش بر آنان پوشیده ماند، با آنکه مسافت میان او و برادران، پدر و شیعیانش کم باشد.^۳

- امام صادق علیه السلام: [مهدی علیه السلام] همچون یوسف علیه السلام با مردم به داد و ستد پردازد، در بازارهایشان قدم زند و بر بساط آنها پا نهد ولی او را نشناسند تا زمانی که خداوند اجازه دهد که خود را معرفی کند.^۴

- امام باقر علیه السلام: و اما شباهت او با موسی علیه السلام عبارتست از طول غیبت، مخفی بودن ولادت و رنج شیعیان وی پس از غایب شدنش که آزار و اذیت و خواری می‌بینند تا آنکه خدای تعالی اجازه ظهور دهد و او را بر دشمنان نصرت و تأیید فرماید.^۵

- امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام: مهدی همچون موسی علیه السلام هنگامی که قیام کند، بگوید: «فَقَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ» (شعراء ۲۱/۲۶/)

- امام صادق علیه السلام: غیبت و ولادت پنهان مهدی همچون موسی علیه السلام است.^۶

- امام صادق علیه السلام: تولد قائم همچون موسی است که فرعون وقتی فهمید زوال پادشاهی اش به دست اوست بیست و چند هزار نوزاد را کشت، بنی‌امیه و بنی‌عباس نیز بر

۱- حویزی، ۴۵/۲ و ۴۶، ذیل اعراف/۷۳/۷.

۲- طباطبایی، ۳۰۹/۱، ذیل بقره/۱۳۳/۲؛ عیاشی ۶۱/۱، ذیل بقره/۳۳/۲.

۳- حویزی، ۴۳۹/۴، ذیل صفات/۱۳۹/۳۷-۱۴۸. البته روایت حویزی ناقص بوده و کامل آن در صدوق (۳۲۷) است.

۴- همو، ۴۵۹/۲-۴۶۰، ذیل یوسف/۸۸/۱۲-۹۰.

۵- همو، ۴۳۹/۴، ذیل صفات/۱۳۹/۳۷-۱۴۸. البته روایت حویزی ناقص بوده و کامل آن در کمال‌الدین صدوق (۳۲۷) است.

۶- و چون از شما ترسیدم از شما گریختم تا پروردگارم به من دانش بخشید و مرا از پیامبران قرار داد.

۷- حویزی، ۱۲۵/۴، ذیل قصص/۲۸/۲۸.

علیه آل رسول ﷺ شمشیر کشیدند ولی نتوانستند قائم را به قتل برسانند.^۱

- حکیمه: امام حسن عسکری علیه السلام [خطاب به مهدی، هنگامی که جبرئیل وی را به آسمان می‌برد] فرمود: تو را به کسی می‌سپارم که مادر موسی علیه السلام وی را به او سپرد.^۲

- حکیمه: امام حسن عسکری علیه السلام [خطاب به نرجس] گفت: شیر خوردن بر مهدی حرام است مگر از سینه تو، و به زودی همچنانکه موسی به مادرش بازگردانده شد، به سوی تو باز گردانده می‌شود.^۳

- امام باقر علیه السلام: مهدی همچون یونس است که پس از غیبتش، با وجود سن بالا جوان باز می‌گردد.^۴

افزون بر هم نام و هم کنیه بودن با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، خروج منجی نیز به خروج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تشبیه شده است:

- امام باقر علیه السلام: شباهت او به جدش محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم این است که خروجش با شمشیر است، ستمگران، طاغوتها و دشمنان خدا و رسولش را خواهد کشت، با شمشیر و وحشت [در دل دشمنان] یاری خواهد شد، و در هیچ نبردی شکست نخواهد خورد.^۵

امام صادق علیه السلام: خروج مهدی همچون خروج رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است.^۶

ذوالقرنین با آنکه از انبیاء علیهم السلام به شمار نمی‌رود، اما به جهت آن که از بندگان صالح و حجتی برای بندگان دیگر بوده است،^۷ به روایتی که متذکر شباهتی میان او و منجی شده، اشاره می‌شود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: به هر کجا از شرق و غرب زمین که ذوالقرنین رفته باشد، فرزندم

۱- فیض کاشانی، ۳۳۷/۲ ذیل توبه ۳۲/۹.

۲- حویزی، ۱۱۳/۴، ذیل قصص ۱۳/۲۸.

۳- همانجا.

۴- همو، ۴۳۹/۴، ذیل صفات ۱۳۹/۳۷-۱۴۸.

۵- همانجا؛ البته روایت حویزی ناقص بوده و کامل آن در کمال‌الدین صدوق (۳۲۷) است.

۶- طباطبایی، ۲۲۳/۱۲، ذیل نحل ۲-۱/۱۶.

۷- اشاره به صدر همین حدیث مربوط به ذوالقرنین است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ذوالقرنین بنده صالح صالح خدا بود و خداوند او را حجتی بر بندگانش قرار داد. نک: حویزی، ۲۹۴/۳ و ۲۹۵، ذیل کف/۸۳/۱۸.

قائم نیز خواهد رفت.^۱

در تالیفات شیعی اعم از تفسیر و غیر آن در خصوص شباهت وقایع مربوط به مهدی علیه السلام و انبیاء علیهم السلام نسبت به تالیفات اهل سنت مطالب بیشتری نقل شده است. آن مقدار هم که تالیفات اهل سنت روایت نموده‌اند، بی‌تأثیر از مآخذ شیعی نبوده است. به عنوان مثال آنچه قندوزی ضمن نقل روایتی از حکیمه دختر امام محمد تقی علیه السلام که خواجه محمد پارسا شاه نقشبند در *فصل الخطاب* آورده، ولادت مهدی علیه السلام را به ولادت موسی علیه السلام و عمرش را به عمر خضر علیه السلام تشبیه کرده است.^۲

غیر از این، قندوزی روایت دیگری را نیز از امام صادق علیه السلام نقل نموده که در آن ولادت حضرت مهدی علیه السلام به ولادت موسی علیه السلام، غیبتش به غیبت عیسی علیه السلام عمرش به عمر خضر علیه السلام و... تشبیه شده است.^۳

غیر از معدودی از منابع اهل سنت همچون *ینابیع الموده* که شامل روایات شیعی نیز می‌شوند، منابع و مآخذ دیگر آنها، اعم از تالیفات تفسیری و غیر تفسیری، روایات مربوط به شباهت مهدی علیه السلام به انبیاء علیهم السلام را نقل نکرده‌اند و این روایات صرفاً در مآخذ شیعی قابل دسترسی هستند. در بین مآخذ شیعی نیز *تفسیر نور الثقلین* سهم قابل ملاحظه‌ای در نقل این روایات دارد که تقریباً تمام روایات را از *کمال الدین و تمام النعمه* نقل کرده است. بنابراین بیشتر روایات این بحث از شیخ صدوق نقل شده است.

۱- همانجا.

۲- قندوزی، ۳/۳۰۵.

۳- همو، ۳/۳۱۱.

فهرست منابع

- ۱- ابن اثیر، علی بن محمد، *الکامل فی التاریخ*، ۱۳۸۵ ق، بیروت، دار صادر.
- ۲- ابن بطریق، یحیی بن حسن، *عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب امام الأبرار*، ۱۴۰۷ ق، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۳- ابن حجر، احمد، *تهذیب التهذیب*، چاپ اول، ۱۴۰۱ ق، بیروت، دارالفکر.
- ۴- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، تحقیق عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، بی تا، بیروت، دارالفکر.
- ۵- ابن حجر عسقلانی، احمد، *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، چاپ دوم، بی تا، بیروت، دارالمعرفة.
- ۶- ابن حنبل، احمد، *المسند*، بشرح احمد محمد شاکر، ۱۳۵۷ ق، دارالمعارف بمصر.
- ۷- ابن خلدون، عبدالرحمان، *العبر و دیوان المبتدأ و الخبر فی أيام العرب و العجم و البربر*، چاپ چهارم، بی تا، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۸- ابن خلکان، احمد بن محمد، *وفیات الأعیان و انباء انباء الزمان*، بی تا، بی جا.
- ۹- ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، *الفصول المهمة فی معرفة الأئمة* تحقیق سامی الغیری، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق، قم، دارالحديث.
- ۱۰- ابن طاووس، علی بن موسی، *التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن المعروف بالملاحم و الفتن*، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق، اصفهان، گلبهار.
- ۱۱- ابن طاووس، علی بن موسی، *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، ۱۳۹۹ ق، قم، مطبعة لخیام.
- ۱۲- ابن کثیر، اسماعیل، *البدایة النهایة تحقیق علی شیری*، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۱۳- ابن کثیر، اسماعیل، *تفسیر القرآن العظیم*، ۱۴۱۲ ق، بیروت، دارالمعرفة.
- ۱۴- ابو حمزه ثمالی، ثابت بن دینار، *تفسیر القرآن الکریم*، گردآوری و تحقیق عبدالرزاق محمد حسین حرزالدین، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق، قم، انتشارات الهادی.

- ۱۵- ابو داود، سلیمان بن اشعث، السنن، تحقیق محمد عوامه، چاپ اول، ۱۴۱۹ق، بیروت، مؤسسه الریان.
- ۱۶- بستوی، عبدالعلیم عبدالعظیم، المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة چاپ اول، ۱۴۲۰ق، بیروت، دار ابن حزم.
- ۱۷- ثعلبی، احمد بن ابراهیم، الكشف و البيان عن تفسير القرآن، تحقیق ابو محمد بن عاشور، چاپ اول، ۱۴۲۲ق، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۱۸- حویزی، عبدالعلی، تفسیر نور الثقلین، تصحیح هاشم رسولی محلاتی، بی تا، تهران، مؤسسه اسماعیلیان.
- ۱۹- خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، تحقیق مصطفی عبد القادر عطا، چاپ اول، ۱۴۱۷ق، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ۲۰- زرکلی، خیرالدین، الأعلام، چاپ سوم، ۱۳۸۹ق، بیروت.
- ۲۱- سمعانی، عبدالکریم بن محمد، الأنساب، چاپ اول، ۱۴۰۸ق، بی جا، دارالجنان.
- ۲۲- سیوطی، عبدالرحمان، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بی تا، بیروت، دارالمعرفة
- ۲۳- شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة تصحیح علی اکبر غفاری، ۱۴۰۵ق، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۲۴- صالح، صبحی، علوم الحدیث و مصطلحه، چاپ اول، ۱۴۱۷ق، قم، مکتبه الحیدریة
- ۲۵- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ هفتم، ۱۴۲۳، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۲۶- طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، ۱۳۸۶ق، نجف اشرف، مطابع النعمان.
- ۲۷- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، ۱۴۱۵ق، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
- ۲۸- العباد، عبدالمحسن، «عقیده اهل السنة و الأثر فی المهدي المنتظر»، مجلة الجامعة الاسلامیة ذی القعدة ۱۳۸۹ق، المدینة.
- ۲۹- عسکری، جعفر بن محمد، المهدي الموعود المنتظر، ۱۴۰۲ق، تهران، مؤسسه لامام

المهدی.

۳۰- عظیم آبادی، محمد، *عون‌المعبود شرح سنن ابی داود*، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق، بیروت،

دارالکتب العلمیة

۳۱- عقیلی، محمد بن عمرو، *الضعفاء الکبیر*، تحقیق عبدالمعطی أمین قلعجی، چاپ دوم،

۱۴۱۸ق، بیروت، دارالکتب العلمیة.

۳۲- عیاشی، محمد بن مسعود، *التفسیر*، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، بی تا، تهران، مکتبۃ

العلمیة لاسلامیة.

۳۳- فرات کوفی، ابوالقاسم، *التفسیر*، چاپ اول، ۱۴۱۰ق، تهران.

۳۴- فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، *الصابی فی تفسیر کلام الله*، تصحیح حسین اعلمی،

چاپ دوم، ۱۴۱۶ق، تهران، مکتبۃ الصدر.

۳۵- قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، چاپ دوم، ۱۴۰۵ق، بیروت، دار احیاء

التراث العربی.

۳۶- قمی، علی بن ابراهیم، *التفسیر*، تصحیح سید طیب جزایری، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق، قم،

دارالکتاب.

۳۷- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، *ینابیع المودة لذوی القربی*، تحقیق علی جمال اشرف

الحسینی، چاپ دوم، ۱۴۲۲ق، قم، دارالأسوة.

۳۸- کتانی، محمد بن جعفر، *نظم المتناثر من الحدیث المتواتر*، چاپ دوم، بی تا، بی جا،

دارالکتب السلفیة.

۳۹- کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، چاپ اول، ۱۳۸۲ش، تهران، انتشارات وفا.

۴۰- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ش،

تهران، دارالکتب الاسلامیة.

۴۱- مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار الجامعة درر أخبار الأئمة الأطهار*، چاپ سوم،

۱۴۰۳ق، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۴۲- مزّی، یوسف بن عبدالرحمان، *تهذیب الکیمال فی أسماء الرجال*، تحقیق بشار عواد

- معروف، چاپ چهارم، ۱۴۰۶ق، بغداد، مؤسسة الرسالة.
- ۴۳-مسلم بن حجاج نیشابوری، *الصحيح*، تحقيق موسى شاهين لاشين و احمد عمر هاشم، ۱۴۰۷ق، بيروت، مؤسسة عزالدين.
- ۴۴-مناوی، محمد عبدالرؤوف، *فيض القدير شرح الجامع الصغير*، تصحيح احمد عبدالسلام، چاپ اول، ۱۴۱۵ق، بيروت، دارالکتب العلمیة.
- ۴۵-نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبة*، تحقيق فارس حسون کریم، چاپ اول، ۱۴۲۲ق، قم، انوارالهدی.

46-*Encyclopaedia Britannica*, 15 th. Ed.1994, Chicago, Encyclopaedia Britannica Inc.

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



تازه های آموزش
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



تازه های آموزش
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



تازه های آموزش
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران